

معاون اول ترامپ اعتراف قابل تأملی دربارهٔ قدرت‌های آینده جهان دارد

مانیفست ونس برای دنیای چند قطبی



سید مهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

«جی دی ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا روز گذشته (شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۴، ۲۴ می ۲۰۲۵) در مراسم فارغ‌التحصیلی افسران و آغاز به کار آکادمی نیروی دریایی، مواضع مهمی را درباره نوع نگاه آمریکا به تحولات جهانی اتخاذ کرد.

ونس از پایان تسلط تقریباً بلامنازع آمریکا خبر داده و گفت: «آمریکا با تهدیدات جدی روبه‌روست و کشورهایی مانند چین و روسیه مصممند که در هر حوزه‌ای، از مدار پایین زمین گرفته تا زنجیره‌های تأمین و حتی زیرساخت‌های ارتباطی آن را شکست دهند.»

او درباره تغییر آرایش نظامی و سیاست‌های راهبردی کشورش تأکید کرد که «رئیس‌جمهوری آمریکا تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل کند، نیروهای مسلح ایالات متحده تنها با اهداف روشن به خطر می‌افتند و نه مأموریت‌های تعریف‌نشده و درگیری‌های گذشته.»

معاون رئیس‌جمهور آمریکا در تشریح این سیاست جدید گفت: «رویکرد رئیس‌جمهور ترامپ به این معنا نیست که ما تهدیدات را نادیده می‌گیریم، بلکه بدین معناست که با آن‌ها با نظم بر خورد می‌کنیم و اگر شما را به جنگ اعزام کنیم، این کار را با مجموعه‌ای از اهداف بسیار مشخص انجام می‌دهیم.» وی دراین خصوص اعلام کرد «ما باید در تصمیم‌گیری برای پرتاب مِشت محتاط باشیم، اما وقتی مِشت می‌اندازیم، مِشت محکمی پرتاب می‌کنیم و قاطعانه این کار را انجام می‌دهیم و این دقیقاً همان چیزی است که ممکن است از شما بخواهیم.»

مواضعی که ونس مطرح کرد، شباهت‌هایی با مواضع دولت بایدن در خصوص پایان دوره تک‌قطبی دارد؛ اما از نظر پایان‌دادن به درگیری‌های طولانی مدت و اصرار بر آن، خطوط جدیدی را نیز ترسیم می‌کند.

نکات

در این بخش به بررسی نکات مرتبط با سخنرانی معاون رئیس‌جمهور آمریکا پرداخته شده است.

۱ پذیرش روند تکثیر قدرت، محدود به تکثر قطب‌های جهانی سخنان پیشین «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه دولت بایدن و حالا ونس نشان می‌دهد آمریکا پایان دوره تک‌قطبی را که تصور می‌شد پس از پایان جنگ سرد شروع شده بود، پذیرفته است. باین‌حال این پذیرش به‌نوعی تنها در خصوص تکثیر قطب‌ها رخ داده و شامل دیگر مظاهر روند تکثیر قدرت، یعنی قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای نمی‌شود.

به عبارتی دیگر، آمریکا قصد دارد به‌نوعی نقش دولت‌های چین و روسیه را به رسمیت بشناسد، اما نمی‌خواهد در برابر دولت‌های کوچک‌تری مانند هند، برزیل، آفریقای جنوبی و ترکیه دست به چنین کاری بزند.

۲ فروکاست قطب‌های جهانی به سطح قدرت منطقه‌ای به نظر می‌رسد آمریکا به‌نوعی نفوذ چین بر بخشی از شرق آسیا و نفوذ روسیه بر بخشی از شرق اروپا را بپذیرد. این مسئله حکایت از آن دارد که واشنگتن قصد دارد برای بدل زدن به شرایط گذار و مدیریت روندی که



تحولات را ناگزیر می‌کند، دو قطب آتی جهان را در حد دو قدرت منطقه‌ای فرو بکاهد و در ادامه این سیاست، اساساً قدرت‌های منطقه را نیز به رسمت نشاناسد. در این صورت آمریکا در برابر موجی که رو دنیا می‌آفرینند، خرد نمی‌شود بلکه می‌تواند بر آن‌ها سوار شود.

در این شکل، در شرق آسیا به چین و در شرق اروپا به روسیه حوزه‌های نفوذی داده خواهد شد؛ اما در برابر تسلط‌شان بر تمام منطقه و گسترش آن به دیگر نقاط مقاومت‌شده و همچنین هیچ قدرت منطقه‌ای به رسمیت شناخته نخواهد شد.

۳ پایان دوره اشغال کشورهای دوردست

خسروج از جنگ‌های بی‌پایان به کلیدواژه ترامپ و دولتمردانش تبدیل شده است. منظور از جنگ بی‌پایان البته اشغال‌گری از طریق استقرار نیروهای زمینی است؛ نمونه‌هایی مانند اشغال افغانستان و عراق در عصر نزدیک و جنگ ویتنام و پیش از آن جنگ کره در نیم‌قرن گذشته. آمریکایی‌ها پس از پایان جنگ جهانی دوم با فتح آلمان و ژاپن، اشغال دیگر مناطق را به‌عنوان الگویی برای خود قرار دادند. شیرینی فتح دو کشور پیشروی جهان برای دهه‌ها در مذاق آمریکایی‌ها جا خوش کرد به‌گونه‌ای که ناکامی در کره‌شمالی و ویتنام نیز نتوانست این نگاه را اصلاح کند. پس از پایان جنگ سرد آمریکایی‌ها احساس کردند که احتمالاً قادر خواهند بود همانند جنگ جهانی دوم دست به فتح کشورها و تثبیت موقعیت نظامی خود در آن‌ها بزنند؛ زیرا اگر جهان دوقطبی مانع از اشغال کره شمالی و ویتنام شد، پس از پایان جنگ سرد دیگر اب‌قدرت مزاحمی وجود ندارد. سنگینی شکست در ویتنام باعث شد آن‌ها در سال ۱۹۹۱ از اشغال عراق خودداری کنند؛ اما با تثبیت جهان تک‌قطبی، آن‌ها در سال ۲۰۰۱ افغانستان و در سال ۲۰۰۳ عراق را اشغال کردند. باین‌وجود اما سرنوشت این دو جنگ نیز همانند جنگ کره و ویتنام شد و این بارهم خبری از تکرار الگوی آلمان و ژاپن نبود.



کلیدواژه شدن خروج از جنگ‌های بی‌پایان، به‌نوعی زیباسازی‌شده شکست سیاست اشغال کشورهاست.

۴ الگو قرار دادن جنگ اول خلیج فارس

این نگاه آمریکا جنگ اول خلیج فارس موفقیت‌آمیز بوده است. در این جنگ آمریکا به‌زعم خود به اهدافش برای واردکردن فشار به عراق رسید. این جنگ باعث نابودی ارتش عراق، خودمختاری کردها، بروز ششورش داخلی و تبدیل بغداد از یک بازیگر مؤثر منطقه‌ای به دولتی ضعیف شد. آورده بزرگ‌تر آن برای آمریکا، مانوری در سطح جهانی بود تا پایان جنگ سرد را اعلام کرده و خود را تنها بازمانده این رقابت یا به تعبیری پیروز معرفی کند. آمریکا می‌خواهد با فراموشی اشغال موفق آلمان و ژاپن و با درس‌گرفتن از ناکامی تلاش برای تکرار آن موقعیت در کره شمالی، ویتنام، افغانستان و جنگ دوم عراق، جنگ اول عراق را که به جنگ اول خلیج فارس مشهور شده به‌عنوان الگوی خود قرار دهد.

ونس در همین راستا گفته است: «در دوره رئیس‌جمهور ترامپ، اقدامات نظامی سریع‌تر خواهد بود و باید قاطعانه و با یک هدف روشن از نیروی نظامی استفاده کرد.»

۵ تردید در موفقیت الگوی جنگ اول خلیج فارس در وضعیت کنونی

آیا آمریکا که از سیاست اشغال کشورها عبور کرده، می‌تواند سیاست بهیاران گسترده آن‌ها را جایگزین کند؟ جواب این سؤال را می‌توان تا حدی داد. آمریکایی‌ها در یمن و صهیونیست‌ها در لبنان و غزه این کار را انجام داده و توفیق مد نظر را به دستم ندیاورده‌اند. شکست سهمگین آمریکا، ابزارها و شیوه‌های رزم سنتی‌اش در یمن این مسئله را نشان داد.

۶ تثبیت روسیه به‌عنوان دشمن بلندمدت آمریکا معاون ترامپ با قراردادن نام روسیه در کنار چین به‌عنوان کشوری

۷ ورزش شویی با رانت نفتی

مقله ورزش، خصوصاً فوتبال، نیز نمونه‌ای از توسعه‌کاریکاتوری است؛ جذب ستارگان فوتبال نه تنها باعث رشد فوتبال عربستان نشد، بلکه به‌گفته کارشناسان محلی، به دلیل نیمکت‌نشینی بازیکنان عربستانی، تیم ملی به شدت افت کرده است. این اقدام بر زرق‌وبرق سعودی نه تنها در آمدی برای باشگاه‌ها نداشت، بلکه صندوق سرمایه‌گذاری دولتی سعودی ۷۵ درصد از سهام چهار باشگاه اصلی سعودی (النصر، الهلال، الاتحاد و الاهلی) را خرید تا بتواند با همان رانت نفتی که جمع کرده است، خرج این پروپاگاندای بی‌حاصل را بدهد. هر روز هم که خبرهای جدیدی از اختلافات باشگاه با این بازیکنان منتشر می‌شود و ما محصل آن فقط ورزش شویی و تبلیغات توخالی بوده است!

۱۰ میلیارد درخت چقدر می‌شود؟

چند روز پس از آنکه ولیعهد سعودی طرحی موسوم به سعودی سبز را رونمایی کرد و مدعی شد قصد دارد ۱۰ میلیارد درخت در عربستان بکارد، رسانه‌های سعودی از خشک‌شدن درختان کاشته‌شده در یک منطقه حفاظت‌شده این کشور خبر دادند. درختان قدیمی به خاطر تود آب خشک می‌شدند، ولی بی سلیمان در فکر کاشت ۱۰ میلیارد درخت جدید بود. یک محاسبه ساده این عدد را قدری روشن خواهد کرد؛ اگر فناوری جدیدی اختراع شود که بتواند در هر ثانیه یک نهال تولید کند، بکارود بدون توقف کار کند، در هر دقیقه ۶۰ درخت، در هر ساعت ۳۶۰۰، در هر روز ۸۶٬۴۰۰، در هر ماه ۲٬۵۹۲٬۰۰۰ و در هر سال ۳۱٬۱۰۴٬۰۰۰ درخت کاشته خواهد شد. اگر فرض کنیم این میزان درخت هیچ نیازی به آبیاری و مراقبت نداشته باشند و ما همین سرعت مستمرآ کاشته‌شوند، برای تحقق رؤیای ۱۰ میلیاردی ولیعهد سعودی چند سال زمان لازم است؟ بیش از ۳۲۱ سال!

توسعه واقعی متناسب با بوم جامعه؟!

روشن است که آن طرح و ایده مدنظر دولتمردان سعودی برای توسعه و اصلاح که تاکنون اعلام کرده‌اند نه محقق‌شدنی است، نه برآمده از مطالبات جامعه و نه متناسب با فرهنگ و آداب آن؛ ملغمه‌ای از الگوهای توسعه غربی، نامتوازن، دستوری و رانتی که یک جامعه سنتی و بسته را با چالش‌های متعدد مواجه کرده است. ایده‌ای که برای پیشبرد خودش نیازمند حذف دین و سنت جامعه است و لذا در راستای احیای سنن عصر جاهلی گوشیده است و نمادهای بت‌پرستی عرب جاهلی را معرفی و تبلیغ می‌کند.

ام‌الامراض سعودی؛ بحران نیروی انسانی وضعف نظام آموزشی

با وجود این همه پول‌پاشی و پروپاگاندای رسانه‌ای، اما مشکل اصلی پادشاهی سعودی چیزی است که در کوتاه‌مدت امکان حل‌شدن ندارد؛ ضعف نظام آموزشی در کنار روحیه خاص سعودی، که صبر و حوصله کار بلندمدت و زیربنایی را ندارد، موجب شده است نیروی انسانی که رکن اساسی توسعه یک کشور است، بسیار ضعیف و ناتوان باشد و کشور همواره نیازمند نیروی کار خارجی باشد؛ هم کارگر عادی و هم مدیر و برنامه‌ریز و مهندس و پزشک

که مصمم است در همه حوزه‌های مهم آمریکا را شکست دهد، بر دشمن بودن مسکو برای طولانی‌مدت تأکید کرد. این مسئله نشان می‌دهد بر خلاف ظواهر قرار نیست در دوره ترامپ روابط دو کشور بهبود یابد.

۷ بازنگری در روابط گذشته

معاون رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرده که «دولت تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل کند نیروهای مسلح ایالات متحده تنها با اهداف روشن به خطر می‌افتند و نه مأموریت‌های تعریف‌شده و درگیری‌های گذشته.» منظور از درگیری‌های گذشته، ورود به برخی از درگیری‌ها و جنگی‌هایی است که در آن متحدان آمریکا نیز نقش داشته و واشنگتن بعضاً با راهنمایی آن‌ها گرفتار شده است.

ونس پیش‌ازاین نیز از حملات کشورش به یمن انتقاد کرده بود. در جریان رسوایی انتشارش پت مقامات امنیتی دولت ترامپ در برنامه سیگنال که با بحث بر سر حمله به یمن مرتبط بود، معاون رئیس‌جمهور در این گفت‌وگو مطالبی در مخالفت به حملات نوشته و اعلام کرده بود این حملات نفعی برای آمریکا ندارد و تنها به نفع اروپا تمام خواهد شد.

مدتی‌س پس از این وقایع، آمریکا به دلیل شکست در جنگ یمن که مورد پیش‌بینی قرار گرفته بود، بدون درنظرگرفتن منافع رژیم صهیونیستی خارج شد. آمریکا با یمن توافق کرد حملاتش به این کشور در ازای توقف حملات به خطوط دریایی متوقف شود؛ ولی درخواستی برای پایان حملات صناعه به سرزمین‌های اشغالی نداشت.

۸ تداوم اثرات عمیق شکست در افغانستان و عراق

حضور طولانی‌مدت، پرهزینه و زیان‌بار در عراق و یوه‌یوه افغانستان باعث شد انتقادات بسیاری در حوزه سیاسی و نظامی آمریکا دراین خصوص بروز کند. ونس احتمالاً بر همین اساس به نظامیان آمریکایی گفت که «اگر شما را به جنگ اعزام کنیم، این کار را با مجموعه‌ای از اهداف بسیار مشخص انجام می‌دهیم.»

احساس بیهودگی مبارزه و کشته‌شدن برای اهداف نامشخص، نظامیان آمریکایی را در افغانستان آزار داد و اطمینان از عدم تکرار آن برای این دسته اهمیت دارد.

ونس در بخشی دیگر از سخنان خود درباره تغییر رویکرد رئیس‌جمهوری آمریکا، با انتقاد از جنگ عراق گفت: «ساخن چند دموکراسی در خاورمیانه چقدر می‌تواند سخت‌باشد؟ تقریباً غیر ممکن و به طرز باورنکردنی‌ای پرهزینه است.»

۹ آرام‌سازی پیرامون آمریکا و به‌تش کشاندن چین و روسیه معاون رئیس‌جمهور آمریکا پس از آنکه چین و روسیه را در حوزه فناوری‌ها رقیب کشورش معرفی کرد تأکید داشت که «دولت ترامپ متعهد به حفظ و گسترش برتری فناوری آمریکا نسبت به دشمنانش در سراسر جهان است.»

حفظ و گسترش برتری فناوری آمریکا نخست نیازمند صرفه‌جویی در هزینه‌ها و جذب سرمایه‌گذاری برای اختصاص به توسعه فناوری‌ها و از سوی دیگر اختلا در مسیر دستیابی دشمنان به فناوری‌هاست که یکی از لازمه‌های آن ایجاد گرفتاری برای این دولت‌هاست. تحریک روسیه برای ورود به جنگ اوکراین می‌تواند در همین راستا صورت گرفته باشد.

توسعهٔ سعودی؛ از انیمیشن تا واقعیت، از سازه تا فرهنگ!

حرفه‌ای. کارشناسان عربستانی معتقدند به دلیل ضعف نظام آموزشی، دانش آموزان توان ورود به رشته‌های سطح بالا در دانشگاه‌ها را ندارند و نیمی از ورودی‌های دانشگاه‌ها در این رشته‌ها نیز فارغ‌التحصیل نمی‌شوند و درس را رها می‌کنند. لذا در یک پارادوکس «مرغ و تخم مرغ» نظام آموزشی خروجی ضعیف می‌دهد و خروجی ضعیف هم توان اصلاح نظام آموزشی را ندارد. در حالی که این مشکل ریشه عمیقی دارد، در دو سال گذشته وزارت آموزش سعودی درگیر نزاع و موازن و مخالفان در ترمی یا سسه ترمی شدن مدارس و دانشگاه‌ها بوده است و البته با همراهی نهادهای بین‌المللی و غربی، سکولاریزه‌کردن کتب درسی مدارس را نیز به‌صورت جدی در دست گرفته است! در سال‌های اخیر، اخراج نیروهای کار خارجی و بومی‌گزینی مشاغل به یک مقاله‌ی ملی در عربستان تبدیل شده است و حکومت نیز آیین‌نامه‌های متعددی را صادر و ابلاغ کرده است، اما به دلیل ضعف نیروی انسانی بومی و کم‌توقعی نیروهای متخصص خارجی، حتی کارفرمایان عربستانی نیز ترجیح می‌دهند جریمه شوند، اما عربستانی‌ها را استخدام نکنند. به تازگی پوشی مجازی با هشتک #سعودها (مشاغل را بومی‌گزینی کنید) در فضای مجازی سعودی راه‌اندازی شد، ولی با واکنش تند کاربران وابسته به دولت مواجه شد و آنان این پوش را برآمده از خارج‌نشینانی دانستند که دنبال ضربه‌زدن به دولت هستند.

از رؤیافروشی سعودی فریب خوردیم

بررسی‌های نشان می‌دهد در سال‌های اخیر تبلیغات طرح‌ها و اصلاحات سعودی به طور ویژه روی مخاطب ایرانی اجرا شده است. یک پادشاهی مطلقه که تا سطح مدیران کل ادارات نیز با دستور مستقیم پادشاه‌نصب می‌شوند و شهروندان در آن هیچ‌گونه فعالیت سیاسی حتی در حد یک سندیکای کارگری مستقل هم ندارند، با تبلیغات رسانه‌ای در ذهن مخاطب ایرانی تبدیل به یک الگوی توسعه‌موفق شده است. امکان نداشت که شما وارد فضای مجازی شوید و با البوهی از انیمیشن‌ها و خبرسازی‌ها در مورد توسعه سعودی مواجه نشوید. در نتیجه این پروپاگاندا، حتی برخی مسئولان و پژوهشگران کشور نیز مشتری رؤیاهای سعودی شدند. نمونه اخیر آن که یک نماینده مجلس ایران مدعی شد، سعودی (که خودش واردکننده عمده گندم است) به بزرگ‌ترین صادرکننده گندم جهان تبدیل شده است، هر شنودهای را به تعجب‌اب و البته خنده انداخت! این فریب افکار عمومی فرصت مناسبی برای تحریک ایرانیان ایجاد کرده است و باید گفت یک جنگ ادراکی و شن‌ساختی برای ناامیدسازی مردم کشورمان بوده است. ترامپ نیز به مدد مشاوران ایرانی اصلش این شکاف را به خوبی شناسایی کرده بود و در سخنرانی اش تلاش کرد بر این زخم نمک بپاشد و با رؤیاهای انیمیشی سعودی‌ها دل مردم ایران را ببرد!

این سخنان در زمانی مطرح شدند که صدای پوچ‌بودن پروپاگاندای رسانه‌ای سعودی به گوش همه دنیا رسیده است و حتی خودشان نیز اعتراف دارند که از ابتدا هم قصد نداشتند همه این پروژه‌ها را اجرا کنند، بلکه فقط می‌خواستند توجه‌دنیا را به سمت سعودی جلب کنند. حال باید صبر کرد و به نمایش نشست و دید ترامپ چگونه می‌تواند یک تریبون دلار سرمایه‌ی سعودی بگیرد. رقمی که کارشناسان اقتصادی آن را بسیار بیش از ظرفیت اقتصادی سعودی دانسته‌اند.